

دوگانه مثل

دوگانه مثل «قدرت»

بازیگر سریال این شب های شبکه سه، از پیچیدگی های کاراکتری در دل دهه ۶۰ می گوید

صفحه ۶

پیشمرگ؛ کشاکش میدان و دیپلماسی!

کارگردان فیلم در عین روایتگری قصه از سمت قهرمان توانسته شخصیت های دشمن را واقعیت پذیر نشان دهد

۱۰۰



آفتابی مثل آفتابگردون

برنامه این شب های شبکه دو تلاش کرده روایتی صریح و ساده از تحول فکری افراد مختلف داشته باشد

۲۱۰



هویت ایرانی در بستر زمان

دکتر حمیدالدوند: ایرانیان عالی ترین مراتب هویتی مبتنی بر ارزش های انسانی را دارند

۱۱۰



📌 زاویه دید

بایسته های خوانش تصویری زندگی پیامبران

طولانی غیبت امام معصوم (عج) و منجی، گریبان آنان را گرفت و...

بگذریم. ذخیره دیگر برای آموختن راه های ممتاز نو، احضار یک اثر هنری باستانی به امروز است؛ مثلاً بازخوانی نوی آثار سوفوکل، ادیپ شاه یا الکترا و.... و روایت نوی آن از سوی زان کوکتو یا سارتر و... در قلمرو نمایش، یا در سینما، احضار داستان مکبث یا شاه لیر یا اتللو و.... شکسپیر است، به وسیله کوروساوا یا کوزینتسف یا گاس ون سنت یا پیتر بروک یا جاستین کرزل و بلاتر و کوئن و رومن پولانسکی و اورسن ولز و... اینها هم درس های مهمی می توانست از نظر خلاقیت سبکی و وجه تجربی برای حاتمی کیاد ساخت موسی کلیم الله داشته باشد.

از نظر نگاه نو بر یک داستان کهن به او کمک کند، یا عبرت بگیرد، نمونه منفی را تکرار نکند و گامی عقب تر از لارنس اولیویه برندارد. خصوصاً در شناخت قوم بنی اسرائیل تابع سامری جدید، وقتی نتانیاهوی شیطان پرست و بدتر از گوساله در اکنون جهان به بدترین فرعون در بی رحمی بدل شده و فیلمی درباره حضرت موسی (ع) می تواند سرشار از برداشت های شجاعانه نو باشد و نشان دهد چگونه قوم یک پیامبر سجایای بدترین دشمنان آن پیامبر را کسب می کند، چنان که بنی امیه و... و البته بدتر از بنی اسرائیل و بدتر از کفار عمل کردند. این بحث از نظر ابعاد زرفا بخشیدن به داستان موسی (ع) برای حاتمی کیا می شد، مهم باشد و او با موشکافی آثاری که نمونه موفق بازخوانی متون گذشته اند و به رده آثار هنری با روایت نو اختصاص دارند، می توانست با تکیه به انس خود با داستانی که دوستش می داشت، (اگر دوستش می داشت و ارتباطی باطنی با آن داشت) فیلمش را به رخدادهای آخرالزمانی برای امت محمد(ص) است که متأسفانه با همه هدایت الهی همان راه تباه کاری بنی اسرائیل را ادامه دادند و پند نیاموختند و عذاب



و نگاه نواز ژرف نگری و تعمق قرآنی دست شسته، کار را سرسری گرفته و نقش یک تکنوکرات را به یک هنرمند بهره مند از معارف ژرف کلام الهی و بواطن ماجرا ترجیح داده است. چهارم اتفاقاً خصوصاً در ارتباط با بازخوانی قصص قرآن نقش انس با قرآن بسیار مهم است. زیرا نتیجه انس و خلوص و تزکیه نتیجه اش شنیدن ندای قرآن است. و قرائت کننده قرآن درمی یابد که متقابلاً و مهم تر، این قرآن است که ما را قرائت می کند و چهره های نوبی از روایت را بر ما آشکار می کند. با ما می گوید چرا موسی در صندوق بر آب نیل باید سپرده می شد، کلیم الله بودن او با تبدیل آن تابوت، یعنی صندوق جویی گهواره اش به تابوت و صندوق محل نگاهداری الواح و کلام خدا، معنایش چه بوده و آن صندوق الواح چرا غیب شده و چون یک پایان باز داستان حضرت موسی (ع) را به داستان حضرت عیسی (ع) جاری کرده و از طریق او به داستان احمد صلوات الله علیه و آله (حضرت محمد(ص)) گره خورده و...

لازم به کار می رود و در بیان عمومی ضایع کردن و ضایع شدن، باطل کردن و باطل شدن به کار می رود اما در سینما و سریال ها به معنی لورفتن، دانسته شدن داستان، از پیش است. البته ظاهراً چنین درکی وقتی ما با سطح و لایه صوری و گزارش رخدادها روبه روییم، درست به نظر می رسد. فیلمی درباره حضرت موسی کلیم الله ساخته شده که ماجرایش را همه می دانند. میلیون ها نفر آن را قبلاً خوانده و شنیده اند. لیکن این ظاهر مطلب است. نخست آن که خود قرآن مجید، مجدش در لایه های باطنی آن نهفته است. دوم آن که قرآن می فرماید که او را مگر مطهرین لمس نمی کنند و حقیقت معنایش در آیات و قصص و معارف و حکمت ها همان نیست که ظاهر است. ظاهر آیات را که همگان می خوانند و معنایش آشکار است. سوم آن که قرآن موجودی زنده است و جاری در زمان ها و قرون است و در هر عصر جلوه ای از داستانش نو به نو فاش می گردد که با زمان جدید متناسب و هدایتگر و معرفت آموز برای همان زمان نو است. مثلاً ما امروز مفهوم تبدیل شدن یهودیت سامری به اسرائیل و به بدتر از فرعون و وعده الهی در باره عذاب عصیان و تبهکاری شان را چون موضوعی نو درک می کنیم. و ده ها نکته کلیدی وجود دارد که از تاویل امروزی آیات به دست می آید. اتفاقاً یکی از دلایل اعتراض به حاتمی کیا آن است که چرا به رغم تأکید مکررم به این وجه قرآنی داستان توجه نکرده و چرا برای کشف زوایای تازه روایت

فیلم ساختن درباره زندگی انبیا همیشه با سخنانی رایج همراه و بر سر زبان ها جاری است. نیز همیشه این آثار از یک ناتوانی ماهوی رنج می برند. ناتوانی حاصل از ناشناختنی بودن انسان معصوم برای انسان غیرمعصوم، وقتی که می خواهد او را به دیگران بشناساند. در حقیقت هر کس پیامبر را با اندازه فهم خود تصویر می کند نه خود آن پیامبر.

سخن تکرارشونده درباره ویژگی تکرار روایت این زندگی ها در افق و کتاب ها گوناگون است. کتاب هایی که همه جا در دسترس است و موضوع آنها این زندگی های آینده دار عالم غیب است. عالمی که آنها با آن تماس دارند و ما نداریم، یا موضوع شان، قصص کتاب های آسمانی درباره این پیامبران است که آن هم از زمانی که زبان باز می کنیم به شکل های گوناگون می شنویم و در خانه، مهدکودک، دبستان و دبیرستان تکرار می شود. برای حل این مشکل مخاطب توقع و تقاضای خوانش نو از کارگردان دارد و به عنوان راه حل، انتظار دمیدن روح تازگی در داستانی است که میلیون ها نفر از چند و چون آن باخبرند. درخصوص فیلم ابراهیم حاتمی کیا، «موسی کلیم الله» همچنین مطالبه ای از سوی منتقدان مطرح و حتی فیلم «نوح» دارن آرنوفسکی مثال آورده شده که نسبت به فیلم جان هیوستن «طوفان نوح»، زاویه دید نوبی برگزیده و ابتکار و جان روایت تازه، فیلمش را دیدنی کرده است. البته به قیمت تحریف که مسیرش به درد ابراهیم حاتمی کیا نمی خورد و در حقیقت فیلم آرنوفسکی ضد نوح، ضد روایت دینی و ضد واقعیات تاریخ نبوی است.

نکته دیگری که در نقد بیگانه با کتاب حکیم یا دارای ارتباط سطحی با قرآن مجید دیده می شود، پنداشت یک سر غلط درخصوص قصه حضرت موسی (ع) و کلا متن کلام الله است.

دوستان قدیمی ام که قلباً برای دانش توأم با فروتنی شان احترام صمیمانه ای قائلم در نقدی از کلمه spoil استفاده کردند. اسپویل در دو معنای متعددی



احمد میرزایی نویسنده و منتقد

📌 یادداشت

سیدمرتضی کاظمی دینان | مدیر شبکه رادیویی فرهنگ

بایسته های تحقق شعار سال در عرصه فرهنگ

رهبر انقلاب اسلامی، سال جدید را سال سرمایه گذاری برای تولید نام گذاری کردند. معمولاً در نگاه ابتدایی، توجه ها به عرصه صنعت و فناوری معطوف می شود ولی باید عنایت داشت که یکی از عرصه های جدی تحقق این شعار مهم، مقوله فرهنگ است که به تعبیر رهبر حکیم انقلاب «همه چیز مترتب بر فرهنگ است. فرهنگ حاشیه و ذیل اقتصاد نیست، حاشیه و ذیل سیاست نیست، اقتصاد و سیاست حاشیه و ذیل بر فرهنگ اند.» به گواه آمار و ارقام و تجربه برخی کشورها، سرمایه گذاری در صنایع فرهنگی، این ظرفیت بالقوه را دارد که ارزش افزوده ای برابر فروش محصولات صنعتی، معدنی و نفتی برای کشور حاصل کند. با این مقدمه، به برخی از مهم ترین بایسته های ارتقای سرمایه گذاری برای تولید محصولات فرهنگی اشاره می شود: ۱- باور عمیق همگان و به ویژه مسئولان دولتی به اهمیت و ارزش والای تولیدات فرهنگی و هنری هم به لحاظ اقتصادی و هم از منظر راهبردی برای ارتقای سطح فرهنگی مردم و گسترش نفوذ فرهنگی در دیگر کشورها. به بیان دیگر باید به موضوع فرهنگ و هنر اولویت داده شود و مسأله اقتصاد فرهنگ، در دستور کار جدی تصمیم گیران امر قرار گیرد. ۲- رفع موانع و اصلاح قوانین دست و پاگیر برای فعالان حوزه صنایع فرهنگی به ویژه عرصه نشر کتاب. در این زمینه می توان به الگوهای موفق و سرآمدی همچون کشور چین توجه کرد. چین به دلیل هزینه های پایین چاپ و قوانین سهل گیرانه، مقصدی محبوب برای چاپ کتاب های انبوه است. ۳- سیاستگذاری جدی و عالمانه مبتنی بر یک راهبرد واقع بینانه برای تشویق مردم و بخش خصوصی برای آوردن منابع مالی شان به عرصه فرهنگ و هنر و در مقابل، پرهیز از رفتارهای شعاری و مقطعی (نظیر تشکیل کارگروه ها، شوراها و کمیته های مختلف یا برگزاری همایش های پر خرج و کم نتیجه) در حمایت از صنایع فرهنگی. امری که متأسفانه بارها و در سال های مختلف مشاهده شده و باعث دلسردی و بی انگیزگی فعالان این عرصه خواهد شد. ۴- تقویت تبلیغات و اطلاع رسانی هوشمندانه برای کالاهای فرهنگی. بخش قابل توجهی از بی رغبتی ها برای سرمایه گذاری در عرصه صنایع فرهنگی، به این موضوع بر می گردد و نیازمند عزم جدی رسانه ها اعم از مکتوب، صوتی و تصویری (هم در حوزه رسانه های سراسری به ویژه صداوسیما و هم در عرصه شبکه های اجتماعی و فضای مجازی) است. به بیان دیگر باید نهضت تولیدات رسانه ای برای تبلیغ کالاهای فرهنگی و هنری در کشور راه بیفتد. ۵- لزوم برنامه ریزی و اقدام جدی دولت برای تقویت دیپلماسی فرهنگی به ویژه در حوزه ایران بزرگ فرهنگی و جهان اسلام. امری که در صورت تحقق می تواند به ورود سرمایه های خارجی برای تولید محصولات فرهنگی ایرانی اسلامی به ویژه کتاب، آثار موسیقایی و رادیو تلویزیونی، فیلم های سینمایی و انیمیشن و بازی های رایانه ای بینجامد. ۶- تکریم سرمایه گذاران عرصه فرهنگ با هدف الگوسازی برای دیگران و تشویق مردم به تخصیص سرمایه های خود در عرصه تولید محصولات فرهنگی. در این زمینه باید رسانه های فراگیر هم در پوشش و ضریب دادن خبری به این امر، فعال شوند تا ضرورت سرمایه گذاری برای فرهنگ، تبدیل به یک گفتمان رایج در جامعه شود. ۷- تسهیل دسترسی تولیدکنندگان محصولات فرهنگی به بازارهای بین المللی و همچنین حضور آنها در رویدادهای بزرگ مثل نمایشگاه های کتاب و دیگر محصولات فرهنگی. در این زمینه دولت به ویژه وزارتخانه های صنعت، امور خارجه و فرهنگ و ارشاد اسلامی باید میدان دار و نقش آفرین اصلی باشند.



تولیدکننده رسانه

متن کامل را در جام جم آنلاین بخوانید